

امام روح الله

بازخوانی خاطرات انقلاب ۱۳۵۷



راه پیشکشانان اوامر دارد...

طریق الشهداء مستمر
STANDING UP TO MARTYRDOM

به همت روابط عمومی اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران
شهرستان های استان تهران به مناسبت چهل و سومین
سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران - بهمن ماه ۱۴۰۰



بنیاد شهید و امور ایثارگران
۱۳۸۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امام روح الله

بازخوانے خاطرات انقلاب ۱۳۵۷



روابط عمومی

اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران
شهرستانهای استان تهران



انقلاب ما انفجار نور بود

امام خمینی (ره)



**بحمداله آحاد مردم ثابت کردند
که به دهه فجر به عنوان روزهای
عظیم انقلاب وابستگی دارند.**

امام خمینی در سنگر مبارزه و قیام

روحیه مبارزه و جهاد در راه خدا ریشه در بینش اعتقادی و تربیت و محیط خانوادگی و شرایط سیاسی و اجتماعی طول دوران زندگی آن حضرت داشته است. مبارزات ایشان از آغاز نوجوانی آغاز و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی ایشان از یکسو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافته است و در سال ۱۳۴۰ و ۴۱ ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی فرصتی پدید آورد تا ایشان در رهبریت قیام و روحانیت ایفای نقش کند و بدین ترتیب قیام سراسری روحانیت و ملت ایران در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ با دو ویژگی برجسته یعنی رهبری واحد امام خمینی و اسلامی بودن انگیزه ها، و شعارها و هدفهای قیام، سرآغازی شد بر فصل نوین مبارزات ملت ایران که بعد ها تحت نام انقلاب اسلامی در جهان شناخته و معرفی شد امام خمینی خاطره خویش از جنگ بین الملل اول را در حالیکه نوجوانی ۱۲ ساله بوده چنین یاد می کند: من هر دو جنگ بین المللی را یادم هست ... من کوچک بودم لکن مدرسه می رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم در خمین، من آنجا آنها را می دیدم و ما مورد تاخت و تاز واقع می شدیم در جنگ بین الملل اول. حضرت امام در جایی دیگر با یاد آوری اسامی برخی از خوانین و اشرار ستمگر که در پناه حکومت مرکزی به غارت اموال و نوامیس مردم می پرداختند می فرماید: من از بچگی در جنگ بودم ... ما مورد زلقی ها بودیم، مورد هجوم رجبعلیها بودیم و خودمان تفنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً شاید اوایل بلوغ بودم، بچه بودم، دور این سنگرهایی که بسته بود ند در محل ما و اینها می خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می رفتیم سنگرها را سرکشی می کردیم کودتای رضا خان در سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی که بنابر گواهی اسناد و مدارک تاریخی و غیر قابل خدشه بوسیله انگلیسها حمایت و سازماندهی شده بود هر چند که به سلطنت قاجاریه پایان بخشید و تا حدودی حکومت ملوک الطوائفی خوانین و اشرار پارکنده را محدود ساخت اما درعوض آنچنان دیکتاتوری پدید آورد که در سایه آن هزار فامیل بر سرنوشت ملت مظلوم ایران حاکم شدند و دودمان پهلوی به تنهایی عهده دار نقش سابق خوانین و اشرار گردید.

در چینی شریطی روحانیت ایران که پس از وقایع نهضت مشروطیت در تنگنای هجوم بی وقفه دولتهای وقت و عمال انگلیسی از یکسو و دشمنیهای غرب باختگان روشنفکر مآب از سوی دیگر قرار داشت برای دفاع از اسلام و حفظ موجودیت خویش به تکاپو افتاد. آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری به دعوت علمای وقت قم از اراک به این شهر هجرت کرد و اندکی پس از آن امام خمینی که با بهره گیری از استعداد فوق العاده خویش دروس مقدماتی و سطوح حوزه علمیه را در خمین و اراک با سرعت طی کرده بود به قم هجرت کرد و عملاً در تحکیم موقعیت حوزه نو تاسیس قم مشارکتی فعال داشت.

زمان چندانی نگذشت که آن حضرت در اعداد فضلی برجسته این حوزه در عرفان و فلسفه و فقه و اصول شناخته شد.

پس از رحلت آیه الله العظمی حایری (۱۰ بهمن ۱۳۱۵ هـ ش) حوزه علمیه قم را خطر انحلال تهدید می کرد. علمای متعهد به چاره جویی برخاستند. مدت هشت سال سرپرستی حوزه علمیه قم را آیات عظام :

سید محمد حجت، سید صدر الدین صدر و سید محمد تقی خوانساری -رضوان الله علیهم - بر عهده گرفتند. در این فاصله و بخصوص پس از سقوط رضاخان، شرایط برای تحقق مرجعیت عظمی فراهم گردید. آیه الله العظمی بروجردی شخصیت علمی برجسته ای بود که می توانست جانشین مناسبی برای مرحوم حایری و حفظ کیان حوزه باشد. این پیشنهاد از سوی شاگردان آیه الله حایری و از جمله امام خمینی به سرعت تعقیب شد. شخص امام در دعوت از آیه الله بروجردی برای هجرت به قم و پذیرش مسئولیت خطیر زعامت حوزه مجدانه تلاش کرد.

امام خمینی که با دقت شرایط سیاسی جامعه و وضعیت حوزه ها را زیر نظر داشت و اطلاعات خویش را از طریق مطالعه مستمر کتب تاریخ معاصر و مجلات و روزنامه های وقت و رفت و آمد به تهران و درک محضر بزرگانی همچون آیه الله مدرس تکمیل می کرد دریافته بود که تنها نقطه امید به رهایی و نجات از شرایط ذلت باری که پس از شکست مشروطیت و بخصوص پس از روی کار آوردن رضا خان پدید آمده است، بیداری حوزه های علمیه و پیش از آن تضمین حیات حوزه ها و ارتباط معنوی مردم با روحانیت می باشد.

امام خمینی در تعقیب هدفهای ارزشمند خویش در سال ۱۳۲۸ طرح اصلاح اساس ساختار حوزه علمیه را با همکاری آیه الله مرتضی حایری تهیه کرد و به آیه الله بروجردی (ره) پیشنهاد داد. این طرح از سوی شاگردان امام و طلاب روشن ضمیر حوزه مورد استقبال و حمایت قرار گرفت.

اما رژیم در محاسباتش اشتباه کرده بود. لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی که به موجب آن شرط مسلمان بودن، سوگند به قرآن کریم و مرد بودن انتخاب کنندگان و کاندیداها تغییر می یافت در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ ه - ش به تصویب کابینه امیر اسد الله علم رسید. آزادی انتخابات زنان پوششی برای مخفی نگه داشتن هدفهای دیگر بود.

حذف و تغییر دو شرط نخست دقیقاً به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در مصادر کشور انتخاب شده بود. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد پشتیبانی شاه از رژیم صهیونیستی در توسعه مناسبات ایران و اسرائیل شرط حمایتهای آمریکا از شاه بود. نفوذ پیروان مسلک استعماری بهائیت در قوای سه گانه ایران این شرط را تحقق می بخشید. امام خمینی به همراه علمای بزرگ قم و تهران به محض انتشار خبر تصویب لایحه مزبور پس از تبادل نظر دست به اعتراضات همه جانبه زدند.

نقش حضرت امام در روشن ساختن اهداف واقعی رژیم شاه و گوشزد کردن رسالت خطیر علما و حوزه های علمیه در این شرایط بسیار موثر و کارساز بود. تلگرافها و نامه ها سرگشاده اعتراض آمیز علما به شاه و اسد الله علم موجی از حمایت را در اقصای مختلف مردم برانگیخت. لحن تلگرافهای امام خمینی به شاه و نخست وزیر تند و هشدار دهنده بود. در یکی از این تلگرافها آمده بود :

اینجانب مجدداً به شما نصیحت می کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون اساسی بترسید و عمداً و بدون موجب مملکت را به خطر نیندازید و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.

بدین ترتیب ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی تجربه ای پیروز و گرانقدر برای ملت ایران بویژه از آنجهت بود که طی آن ویژگیهای شخصیتی را شناختند که از هر جهت برای رهبری امت اسلام شایسته بود. با وجود شکست شاه در ماجرای انجمنها، فشار آمریکا برای انجام اصلاحات مورد نظر ادامه یافت. شاه در دیماه ۱۳۴۱ هجری شمسی اصول ششگانه اصلاحات خویش را بر شمرد و خواستار رفراندوم شد. امام خمینی بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره جویی دوباره فراخواند.

با پیشنهاد امام خمینی عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه حضرت امام از انقلاب سفید شاه به انقلاب سیاه تعبیر و همسویی شاه با اهداف آمریکا و اسرائیل افشا شده بود. از سوی دیگر، شاه در مورد آمادگی جامعه ایران برای انجام اصلاحات آمریکا به مقامات واشنگتن اطمینان داده بود و نام اصلاحات را انقلاب سفید نهاده بود. مخالفت علما برای وی بسیار گران می‌آمد.

امام خمینی در اجتماع مردم، بی پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و همپیمان با اسرائیل یاد می‌کرد و مردم را به قیام فرا می‌خواند. او در سخنرانی خود در روز دوازده فروردین ۱۳۴۲ شدیداً از سکوت علمای قم و نجف و دیگر بلاد اسلامی در مقابل جنایات تازه رژیم انتقاد کرد و فرمود: امروز سکوت همراهی با دستگاه جبار است حضرت امام روز بعد (۱۳ فروردین ۴۲) اعلامیه معروف خود را تحت عنوان شاه دوستی یعنی غارتگری منتشر ساخت.

راز تائیر شگفت پیام امام و کلام امام در روان مخاطبینش که تا مرز جانبازی پیش می‌رفت را باید در همین اصالت اندیشه، صلابت رای و صداقت بی شائبه اش با مردم جستجو کرد.

سال ۱۳۴۲ با تحریم مراسم عید نوروز آغاز و با خون مظلومین فیضیه خونریز شد. شاه بر انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا اصرار می‌ورزید و امام خمینی بر آگاه کردن مردم و قیام آنان در برابر دخالت‌های آمریکا و خیانت‌های شاه پافشاری داشت. در چهارده فروردین ۱۳۴۲ آیه الله العظمی حکیم از نجف طی تلگرافهایی به علما و مراجع ایران

حضرت امام بدون اعتنا به این تهدیدها، پاسخ تلگراف آیه الله العظمی حکیم را ارسال نموده و در آن تاکید کرده بود که هجرت دسته جمعی علما و خالی کردن حوزه علمیه قم به مصلحت نیست .

امام خمینی در پیامی (به تاریخ ۱۲ / ۲ / ۱۳۴۲) بمناسبت چهلیم فاجعه فیضیه بر همراهی علما و ملت ایران در رویارویی سران ممالک اسلامی و دول عربی با اسرائیل غاصب تاکید ورزید و پیمانهای شاه و اسرائیل را محکوم کرد .

سخنرانی امام در مسجد فیضیه قم - ۱۳۴۲



این نوشتار مهمترین سرفصلهای مبارزات امام خمینی - قدس سره - و قیام اسلامی حاصل از آن را تا مقطع ارتحال امام در بردارد.

تا سال ۱۹۶۳ نام آیت الله روح الله خمینی به عنوان یک مخالف برجسته رژیم شاه بر سر زبانها افتاده بود. جلسات درس ایشان در قم، انبوه دانشجویان را که مجذوب انتقادهایش از رژیم شاه می شدند، جلب می کرد. در مارس ۱۹۶۳ (اسفند ۱۳۴۲) فیضیه قم در سالگرد شهادت (امام) جعفر صادق (ع) ، امام ششم مورد حمله نیروهای ساواک و چتربازان قرار گرفت و عده ای از دانشجویان کشته و آیت الله خمینی توقیف شد. وی پس از یک بازداشت کوتاه آزاد شد و به انتقاد از کنترل امریکا بر ایران ادامه داد.

امام بار دیگر در سالگرد شهادت امام حسین (ع) بازداشت شد. وقتی این خبر به مردمی که در خیابانها برای امام حسین (ع) عزاداری می کردند، رسید، تظاهراتی برای آزادی وی در تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و کاشان برگزار شد.

نیروهای امنیتی به ۱۵ هزار نفر شلیک کردند. امام خمینی تا ماه اوت زندانی شد. وی پس از آزادی به پیروانش گفت انتخابات اکتبر را تحریم کنند و دوباره توقیف شد.

۷۰ - ۱۹۶۴: آیت الله خمینی در مه ۱۹۶۴ (خرداد ۱۳۴۳) از زندان آزاد شد. در اکتبر، مجلس با تصویب لایحه ای به مشاوران نظامی امریکایی مصونیت دیپلماتیک داد و رای به پذیرفتن یک وام ۲۰۰ میلیون دلاری امریکا برای خرید تجهیزات نظامی داد. امام خمینی با صدور اعلامیه ای به این اقدامات مجلس حمله کرد و کمی بعد به ترکیه تبعید شد که در سال ۱۹۶۵ از آنجا به عراق رفت.

طی سیزده سال بعد، شهر مقدس نجف خانه وی بود و در آنجا خود را به عنوان یک شخصیت مذهبی برجسته تثبیت کرد. انتقادهای او از رژیم پهلوی مخفیانه در ایران انتشار می یافت و پیامهایش برای مسلمانان جهان در مراسم حج در مکه پخش می شد.

انتقادهای او از سیاستهای دولت ایران، اساسی بود. اصلاحات ارضی فاجعه از آب در آمد، باغهای میوه، مراتع، چراگاهها و کشاورزی مکانیزه را از قانون اصلاحات ارضی معاف کرده بودند و به مالکان بزرگ فرصت داده شده بود املاک خود را به طور غیرقانونی به اقوام خویش انتقاد دهند یا با تبدیل وضعیت آنها را در گروه زمینهای معاف از تقسیم قرار دهند. فقط ۹ درصد کشاورزان ایران صاحب زمین شدند، و دولت حتی به همین عده هم برای افزایش تولید کمک نکرد.

گندم و سایر مواد غذایی از خارج وارد می‌شد، اما به کشاورز ایرانی کمک نمی‌شد. سیل مهاجرت روستاییان بیکار و بی زمین به نسبت ۸ درصد در سال، در جستجوی کار به شهرها روان شد. استفاده از درآمدهای نفت، ثروتی بی‌حساب به ثروتمندان داد و این در شرایطی بود که اکثریت عظیم مردم با فشار روزگار می‌گذرانند و نارضایتیها افزایش یافت. در این حال، پس از شکست اعراب در جنگ سال ۱۹۶۷ از اسرائیل و امریکا، آیت الله خمینی برای احتمال آغاز تلاش مشترک علیه اسرائیل با آیت الله باقر صدر به مشورت پرداخت.

۱۹۷۰-۷۷: با افزایش شدید قیمت نفت شاه اعلام کرد که ایران به زودی یکی از پنج قدرت بزرگ جهان خواهد شد! او و واقعیت کمبود مواد غذایی، راه بندیهای شدید و زیادی جمعیت در تهران را نادیده می‌گرفت، جهان غرب دلارهای نفتی شاه را به اسلحه تبدیل می‌کرد، به طوری که ایران بیش از انگلیس، تانکهای "چیفتن" انگلیسی داشت و امریکا هواپیماهای جنگی خود را قبل از این که به خط تولید بیفتد یا کارساز بودن آنها تایید شود، به شاه می‌فروخت. فروشندگان تسلیحات امریکا دارای موقعیت مهم در اقتصاد ایران بودند، سیمان و مصالح ساختمانی صرف ساختن پایگاههای نظامی می‌شد و برای ساختن خانه، مردم با کمبود مصالح روبرو بودند. نفت، بانکداری و تسلیحات ایران به شدت تحت کنترل امریکا بود، تاجگذاری در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) و مراسم پر خرج برای خیالپردازیهای شاه در زمینه اثبات این قضیه که تاریخ شاهنشاهی ایران به ۲۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد، شکاف عظیم بین فقیر و غنی را در ایران علنی تر کرد. آیت الله خمینی از این اقدامات به شدت انتقاد می‌کرد.

سرکوب هرگونه آزادی بیان، مطبوعات و حتی مخالفت بالقوه به تمرکز مخالفان در خارج از کشور منجر شد. توزیع پیامهای آیت الله خمینی به شکل نوار کاست، این مخالفان را تشویق می‌کرد. امام خمینی از علما در ایران خواست خفقان سیاسی و بریاد دادن منابع ایران را محکوم

کنند. شاه وقتی در ۱۹۷۷ برای دیدار با کارتر به واشنگتن رفت با تظاهرات خصومت آمیز عظیمی مواجه شد. در ایران زنان دانشجو مجددا شروع به استفاده از حجاب کردند و یک مخالفت مذهبی شروع به خودنمایی کرد. در اکتبر ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) ماموران ساواک (آقا) مصطفی پسر امام خمینی را به شهادت رساندند.

سال ۱۹۷۸: در ژانویه به تحریک شاه، مقاله ای در روزنامه اطلاعات انتشار یافت که در آن به شدت به آیت الله خمینی حمله شده بود.

روز بعد طلبه ها در قم یک اعتراض مسالمت آمیز ترتیب دادند و اقدام به تحصن کردند، ماموران امنیتی با خشونت واکنش نشان دادند و عده ای را شهید کردند. تظاهرات به سراسر کشور انتشار یافت. آیت الله خمینی از مردم خواست برای سرنگونی شاهنشاهی به سود یک دولت اسلامی مبارزه کنند.

در هر یک از مراسم چهلم شهدا، عده بیشتری به وسیله ماموران امنیتی شهید می شدند. مردم در تظاهرات خود در مقابل سربازان مسلح خواستار بازگشت آیت الله خمینی شدند.

سپتامبر: شاه به این امید که نداشتن یک پایگاه موجب نابودی قدرت رهبری امام خمینی خواهد شد از عراق خواست آیت الله را اخراج کند. آیت الله خمینی گفت آماده است به کشوری برود که تحت نفوذ شاه نباشد، اما هیچ دولتی پیشنهاد پذیرفتن و تضمین ادامه فعالیت وی را نداد.

اکتبر: امام خمینی وارد "نوفل لوشاتو" در نزدیکی پاریس شد.

سپتامبر: در پایان ماه رمضان یک تظاهرات اعتراض آمیز عظیم منجر به اعلام حکومت نظامی در ایران شد. صبح روز بعد وقتی مردم بی خبر از اعلام حکومت نظامی در میدان زاله اجتماع کردند، نیروهای امنیتی به روی آنها شلیک کردند و هزاران نفر را کشتند. یک ملت وحشترده علیه شاه قیام کرد و اعتصابها، بازارها، مدارس، دانشگاهها، ادارات، کارخانهها و حوزههای نفت را به تعطیل کشاند و اقوام و دوستان ثروتمند شاه، طی سه ماه با ۵/۱ میلیارد دلار به غرب

گریختند.

آیت الله خمینی از پاریس پیامهای خود را برای پخش به ایران می فرستاد.

۱۱ و ۱۰ دسامبر (۹ و ۱۰ محرم): تقریباً چهار میلیون نفر به خیابانها آمدند و خواستار تشکیل یک دولت اسلامی تحت رهبری امام خمینی شدند. هزاران نفر از تظاهر کنندگان غیر مسلح کشته شدند. بازداشت شدگان شکنجه می شدند، و مجروحان را در تختهای بیمارستانها قتل عام می کردند. فشار تحمل ناپذیر و بی پایان افکار عمومی، امریکا را وادار کرد تا شاه را تشویق به انتخاب یک نخست وزیر (شاپور بختیار) برای خنثی کردن نفوذ امام خمینی کند.

۱۶ ژانویه ۱۹۷۹: شاه از ایران فرار کرد و به مصر رفت و یک دولت بی قدرت و مردمی بپاخاسته را در خیابانها رها کرد.

اول فوریه: امام خمینی با استقبال بی سابقه به ایران آمد. امام دستور داد دولت موقت اسلامی تشکیل شود. پس از این که صدها نفر از اعضای نیروی هوایی از امام حمایت کردند، یک پادگان نظامی تهران ناگهان مورد هجوم گارد شاهنشاهی قرار گرفت. انبوه مردم بی سلاح به تقاضای کمک نیروی هوایی پاسخ دادند و گاردیها را مجبور به بازگشت به سربازخانه هایشان کردند. با پذیرفتن رهبری امام خمینی از طرف بیشتر نیروهای امنیتی، کلیه پاسگاههای پلیس، زندانها، پایگاههای ارتش و ادارات دولتی به تصرف انقلابیان در آمد.

۱۱ فوریه: سرانجام رژیم شاه سقوط کرد.



تهران، فرودگاه مهرآباد، فرار شاه از کشور

روز شمار تبعید حضرت امام خمینی (ره)

۱۶ مهرماه سال ۱۳۴۱ جلسه مهم حضرت امام خمینی (س) با مراجع قم در رابطه با انجمنهای ایالتی و ولایتی

۱۱ آذر ماه سال ۱۳۴۱ لغو تصویبنامه ساختگی انجمنهای ایالتی و ولایتی به دنبال مبارزات پیگیر حضرت امام خمینی (س) و صدور پیام حضرت امام خمینی (س) در مورد ختم این غائله

۲ بهمن سال ۱۳۴۱ تحریم فراندوم غیر قانونی و قلابی شاه از سوی حضرت امام خمینی (س)

۲ فروردین ماه سال ۱۳۴۲ فاجعه خونین مدرسه فیضیه به دست عمال رژیم شاه

۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ دستگیری شبانه حضرت امام خمینی (س). قیام تاریخی ملت ایران در اعتراض به دستگیری حضرت امام (س)

۴ تیرماه سال ۱۳۴۲ انتقال حضرت امام خمینی (س) از پادگان قصر به سلولی در عشرت آباد.

۲۱ فرودین سال ۱۳۴۳ سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی (س) در مسجد اعظم قم پس از آزادی از حبس و حصر.

۴ آبان ۱۳۴۳ سخنرانی کوبنده حضرت امام خمینی (س) به مناسبت طرح اسارتبار کاپیتولاسیون.

۱۳ آبان ۱۳۴۳ بازداشت و تبعید حضرت امام خمینی (س) به ترکیه

۲۱ آبان سال ۱۳۴۳ انتقال حضرت امام خمینی (س) از آنکارا به بورسای ترکیه

۱۳ مهرماه سال ۱۳۴۴ انتقال حضرت امام خمینی (س) از ترکیه به بغداد

۱۶ مهرماه ۱۳۴۴ حرکت امام خمینی (س) از سامرا به کربلا بعد از تبعید به عراق

۲۳ مهرماه ۱۳۴۴ ورود و استقرار حضرت امام خمینی در نجف بعد از تبعید به عراق

۲۳ آبان ۱۳۴۴ شروع درسهای حوزه‌های حضرت امام خمینی در نجف پس از تبعید به عراق

۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ پیام حضرت امام خمینی (س) به مناسبت چهل‌م شهدای قم

۲ مهرماه ۱۳۵۷ محاصره منزل حضرت امام خمینی (س) توسط نیروهای بعثی عراق

۱۰ مهرماه ۱۳۵۷ هجرت حضرت امام خمینی (س) از عراق به سوی کویت

۱۳ مهرماه ۱۳۵۷ هجرت حضرت امام خمینی (س) از عراق به فرانسه

۱۲ بهمن ۱۳۵۷ بازگشت امام خمینی (س) به میهن اسلامی پس از ۱۵ سال تبعید.



تهران، فرودگاه مهرآباد، لحظه ورود حضرت امام، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

پیام تبریک امام پس از فرار شاه

هم‌زمان با خروج شاه، امام خمینی(س) در پیام مهمی خواستار حفظ نظم از سوی آحاد مردم در کشور شدند. متن پیام امام به این شرح است:

خدمت عموم ملت شریف و شجاع ایران - اَعْلَى اللَّهِ كَلِمَتَهُمْ وَ وَفَّقَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى ؛ فرار محمد رضا پهلوی را که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می‌کنم. شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت‌های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد، و به مقصد - هر چه دشوار باشد - رسید. گر چه این ستمگر با دست آغشته به خون جوانان ما و جیب انباشته از ذخایر ملت از دست ما گریخت ولی به خواست خداوند متعال بزودی به محاکمه کشیده خواهد شد و انتقام مستضعفین از او گرفته خواهد شد؛ لکن قطع دست ستمکار از ادامه ظلم، به دست ستم‌دیدگان، فوری است. او رفت و به هم پیمان خود، اسرائیل - دشمن سرسخت اسلام و مسلمین - پیوست و جرایم و آشفته‌گی‌هایی را به جای گذاشت که ترمیم آن جز به تأیید خداوند متعال و همت همه طبقات ملت و فداکاری اقشار کاردان و روشنفکر میسر نخواهد شد. اکنون در این طلوع فجر سعادت و پیروزی توجه عموم را به مطالبی جلب می‌کنم:

۱- بر جوانان غیور در سراسر کشور لازم است، برای حفظ نظم، با آن دسته از قوای انتظامی که اکنون به آغوش ملت بازگشته‌اند با تمام نیرو همکاری کنند و با کمال قدرت و جدیت نگذارند که بدخواهان و منحرفین آشوب و ناامنی ایجاد نمایند.

۲- به تظاهرات و شعارهای پر شور علیه رژیم سلطنتی و دولت غاصب ادامه دهند؛ و اگر منحرفین و مخالفین اسلام بخواهند اخلاقی به وجود آورند و نظم را به هم زنند، از آنان جداً جلوگیری کنند. باید ملت بداند که هر انحرافی و هر شعاری که مخالف مسیر ملت است به دست عمال شاه مخلوع و عمال اجانب تحقق می‌یابد. من از جمیع اشخاصی که انحرافی داشته‌اند و یا گرایش به بعضی از مکتب‌های انحرافی داشته‌اند تقاضا دارم که به آغوش اسلام، که ضامن سعادت آنان است، برگردند که ما آنان را

ا برادرانه می‌پذیریم. در این موقع حساس که کشور جنگ‌زده ما بیش از هر زمانی به اتحاد و اتفاق احتیاج دارد باید سعی شود که از هر اختلافی احتراز شود.

۳- دولت موقت برای تهیه مقدمات انتخابات مجلس مؤسسان بزودی معرفی می‌شود و به کار مشغول خواهد شد. وزارتخانه‌ها موظفند که آنان را پذیرفته و با آنان همکاری صمیمانه کنند. این جانب به صلاح وزرای غیر قانونی می‌دانم که برکناری خود را اعلام کنند و خود را در مسیر ملت قرار دهند.

۴- به جمیع نیروهای انتظامی و زمینی و هوایی و دریایی و صاحب منصبان و درجه داران ارتش و ژاندارمری و غیر آنان توصیه می‌کنم که دست از حمایت محمد رضا پهلوی - که مخلوع است و به کشور برنمی‌گردد و در خارج نیز با نفرت مردم مواجه است- بردارند و به ملت بیبوندند؛ که صلاح دنیا و دین آنان در آن است.

این جانب از همه طبقات خصوصاً حضرات علمای اعلام در این مواقع حساس تشکر می‌کنم، و سلامت و سعادت همگان را از خداوند متعال خواستارم؛ و وحدت کلمه را برای همیشه، خصوصاً تا برانداختن رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلام، امیدوارم. و السلام علیکم و رحمۃ اللہ و برکاته.





نخستین اقدام سیاسی امام پس از خروج شاه

با اعلام خبر خروج شاه از رادیو تهران، جشن‌های عمومی سراسر کشور را فرا گرفت و مردم به خیابان‌ها ریختند. هزاران نفر در نقاط مختلف کشور اجتماع کرده و مجسمه‌های شاه را سرنگون کردند. رانندگان با روشن کردن چراغ اتومبیل‌های خود و مردم با پخش نقل و شیرینی خروج آخرین شاه ایران را جشن گرفتند. پس از خروج شاه از کشور مردم در کوتاه‌ترین زمان ممکن، از طریق سازماندهی مساجد برقراری امنیت در بیشتر نقاط تهران را به عهده گرفتند و عملارتش از جریان امور امنیتی خارج شد. در حالی که بختیار و وابستگان دربار تاکید داشتند که این سفری موقتی برای شاه خواهد بود اما انقلابیون گویی یقین داشتند که شاه دیگر هرگز به کشور باز نخواهد گشت.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در همین روز در جمع خبرنگاران خارجی در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره نخستین اقدام سیاسی ایشان پس از خروج شاه چنین گفتند:

«خروج شاه اولین مرحله پیروزی ملت ماست، و ما مشکلات زیادی در پیش داریم؛ و ملت ما باید بداند که مجرد رفتن شاه، پیروزی نیست بلکه طلیعه پیروزی است. و البته این طلیعه را من به ملت ایران تبریک عرض می‌کنم. و باید توجه داشته باشند که همان طوری که طلیعه پیروزی است، طلیعه خلع سلطه اجانب است؛ و این تبریک، بیشتر از تبریک رفتن شاه است. و ما الآن مسائل بسیار مشکل در پیش داریم و وارث یک مملکت از هم پاشیده‌ای هستیم که این خرابیها در ظرف پنجاه سال سلطنت پهلوی و بیشتر از سی سال سلطنت محمد رضا خان به وجود آمده است که ما باید برای ترمیم آن با همت جمیع طبقات ملت قیام کنیم. اولین قدمی که ما باید برداریم ترمیم این خرابیهای

است که به وسیله شاه که از عمال خارجی بود حاصل شده است؛ و این میسر نیست الا به کمک کردن جمیع طبقات. من از جمیع طبقات ملت با کمال تواضع تقاضا دارم که در این مشروع اسلامی و در این مشروع ملی همه با هم کمک کنند، همه دست به دست هم بدهند، اختلافات حزبی و مسلکی را کنار بگذارند، اختلافات قدیمی و جدیدی را کنار بگذارند، اختلافاتی که مربوط به احزاب است کنار بگذارند و همه با هم- با صدای واحد، با ید واحد- قیام کنند؛ قیام به امر مهمی که نجات دادن کشور است، نجات دادن این کشتی متزلزل است. و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که ملت ما را بیشتر از این هوشیار و بیدار کند. من از ملت می‌خواهم که خودشان مواظب نظم مملکت باشند، و جوانان غیور ما کنترل شهرستانها و دهات و قرا را به دست گیرند و نگذارند کسانی که آشوب طلبند در این قرا و قصبات و شهرستانها- خدای نخواستہ- دست به خرابکاری بزنند. و من اخطار می‌کنم به آن اشخاصی که شلوغ می‌کنند و تبلیغات سوء در این زمینه‌ها می‌کنند و می‌خواهند با فرصت طلبی آشوب به پا کنند و بر ضد ملت ایران یک تبلیغاتی بکنند و بر نفع اشخاص خارج و دولتهای ابرقدرت یک کارهایی بکنند، من اخطار به آنها می‌کنم که اگر یک همچو کاری بکنند سرنوشت سختی خواهند داشت و مجازات بزرگی خواهند داشت ولی اگر چنانچه توبه کنند، خداوند تبارک و تعالی توبه همه را قبول می‌کند؛ و باید اینها برگردند به آغوش ملت و ملت آنها را خواهند پذیرفت.»



واشنگتن، کاخ سفید، ۱۳۵۶



پاریس، دهکده نوفل لوشاتو، محل اقامت امام



تهران، خیابان شریعتی، راهپیمایی بزرگ عید فطر، ۱۳ شهریور ۱۳۵۷



تهران، خیابان ارگ، بهمن ۱۳۵۷



تهران، میدان شهدا، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷



تهران، خیابان انقلاب، بهمن ۱۳۵۷



تهران، خیابان قدس، بهمن ۱۳۵۷



تهران، خیابان جمهوری، دی ماه ۱۳۵۷



تهران، بهشت زهرا و سخنرانی امام خمینی (ره) - ۱۲ بهمن ۱۳۵۷



امام روح الله

بازخوانی خاطرات انقلاب ۱۳۵۷

- ۱- در اسفند ۱۳۴۲ فیضیه قم
الف - مورد تهاجم نیروهای شاه قرار گرفت و عده ای از روحانیون به شهادت رسیدند.
ب - مورد تهاجم ساواک و چتربازان قرار گرفت و عده ای از دانشجویان کشته و آیت ا... خمینی بازداشت شد.
ج - مورد تهاجم ارتش و ساواک قرار گرفت و عده ای از دانشجویان و روحانیون به شهادت رسیدند.
- ۲- در سال شاه برای دیدار با کارتر به واشنگتن رفت و در همان سال ماموران ساواک را به شهادت رساندند.
الف - ۱۳۵۴ - شهید علی اندرزگو
ب - ۱۳۵۴ - شهید آیت الله سعیدی
ج - ۱۳۵۶ - شهید مصطفی خمینی
- ۳- سخنرانی کوبنده امام در مورد کاپیتولاسیون در چه تاریخی بود؟
الف - ۷ مهر ۱۳۴۳
ب - ۱۷ آبان ۱۳۴۴
ج - ۴ آبان ۱۳۴۳
- ۴- ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی در سال های و سبب شد تا امام در رهبریت قیام و روحانیت ایفای نقش کنند.
الف - ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱
ب - ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳
ج - ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴
- ۵- در پیام امام به مناسبت فرار شاه آمده است: مجرد رفتن شاه نیست بلکه است.
الف - پیروزی - سرآغاز مبارزه
ب - پایان راه - سرآغاز مبارزه
ج - پیروزی - طلوعه پیروزی

IMAM ROOH O ALAH

Memoirs Readout of Revolution 1978

